

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعلیم

دوره، مبحث، شماره سوم

نام جزوه: تقلید

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

[www.darrahehaq.com](http://www.darrahehaq.com)

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

## فهرست مطالب

|                |       |    |
|----------------|-------|----|
| مقدمه:         | ..... | ٥  |
| تقلید از اعلم  | ..... | ١٠ |
| اختلاف در فتوا | ..... | ١١ |

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۵

مقدمه:

در آغاز بحث فروع دین، چون برای تمامی مکلفان، مسئله تقلید مطرح می شود، ما نیز در شروع دوره هفتم، بعد از دو بحث قبل که ضروری به نظر می رسید مطرح گردد، به تقلید و علت تقلید، از نظر مجتهدان اشاره ای گذرا خواهیم داشت.

تقلید در لغت، به معنی پیروی کردن از افکار و روش دیگران است و این پیروی دارای اقسامی است:

۱ - پیروی و تقلید جاهل از جاهل، ناگفته پیدا است که این قسم از تقلید، علاوه بر این که انسان را در زندگی سعادت مند نمی کند، او را به سقوط و بدبختی نیز می کشاند.

۲ - تقلید عالم از جاهل، روشن است که این نوع از تقلید نیز درست نیست، بلکه لازم است عالم در هر رشته، طبق علم و دانش خود قدم بردارد و بدیهی است زشت ترین انواع تقلید این است که مثلاً شخصی که در امور ساختمانی تخصص دارد برای ساختن ساختمان، از معلومات خود استفاده نکرده و از دیگران که در این رشته تخصصی ندارند پیروی کند.

۳ - تقلید عالم از عالم، که این بنا به تعریف قبل، تقلید نمی باشد، زیرا در زمینه ای که شخص تخصص دارد، اگر عین همان را از دیگری پیروی کند، عمل به علم و تخصص خودش می باشد نه تقلید و اگر نسبت به مطلبی علم نداشته باشد پس با

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۷

این که عالم است، ولی در این مسئله جاهل می باشد و تقلید عالم از عالم نیست.

۴ - تقلید جاهل از عالم و به عبارت دیگر

رجوع غیر متخصص به متخصص می باشد، این نوع از تقلید، کاری است صحیح و منطقی؛ و فطرت و عقل انسان هم آن را ایجاب می کند و اصولاً بر اثر همین منطوق و فطرت است که ما در ساختن خانه، سراغ معمار می رویم و برای دوختن لباس به خیاط و هنگام بیماری به پزشک مراجعه می کنیم. برای توضیح بیشتر مطالب فوق به این مثال توجه کنید:

اگر بیماری داشته باشید، برای معالجه او دو

راه در پیش دارید:

۱ - به هر کس رسیدید، از او نظر بخواهید و طبق نظر او دارویی را به بیمار خود بدهید.

۲ - به طبیب متخصص مراجعه و به نظر او عمل کنید، شما کدام یک را انتخاب می کنید؟  
بدون شک، هر انسان عاقل و دارای فطرت پاک، راه دوّم را انتخاب می کند.

مسأله تقلید در احکام دین هم از همین باب است؛ زیرا تشخیص و استنباط احکام دین از قرآن و روایات، یک رشته تخصصی است و چون متخصصان این رشته مجتهدانی هستند که تمام علومیکه پایه اجتهاد است یعنی صرف، نحو، لغت، کلام، منطق، تفسیر، رجال، درایه، حدیث، اصول و... را فرا گرفته اند، لازم است تمام افرادی که خودشان



دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۹

مجتهد نیستند؛ یعنی متخصص در استنباط احکام نیستند برای تشخیص وظایف دینی خود، به آنها مراجعه کنند و به همین دلیل، مجتهد و فقیه هم در رشته هایی که تخصص ندارد، مثل پزشکی، مهندسی... در مواقع احتیاج، به متخصص آن رشته مراجعه می کند. در مواقع احتیاج به متخصص آن رشته مراجعه می کند. در نتیجه آن چه مورد نکوهش است، تقلید غیر از نوع چهارم است و تمام آیات و روایات که در نکوهش و مذمت تقلید وارد شده، در مورد سه قسم اول تقلید است نه قسم چهارم.

## تقلید از اعلم

حال که روشن شد تقلید از مرجع تقلید، امری فطری و کاری عقلایی است، به بیان ضرورت تقلید از اعلم می پردازیم.

بدیهی است هرگاه در بین اهل فن اختلاف نظر باشد، باید به آن که از همه استادتر و ماهرتر است مراجعه شود، پس رجوع به اعلم در هر رشته، روشی خردمندانه بوده و در میان تمام ملل رایج است... .

بنابراین، چون فقها و مجتهدان مانند سایر متخصصان علوم دیگر، در بخشی از مسایل با هم اختلاف نظر دارند، لازم است به مجتهدی که از دیگران اعلم است مراجعه شود.

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۱۱

## اختلاف در فتوا

ممکن است این طور گمان شود که چون احکام دین اسلام از طریق پیامبر (صلی الله علیه وآله) از جانب خدا است. نباید میان مجتهدان اختلاف نظر باشد.

اما باید توجه داشت که اولاً مجتهدان در کلیات مسایل دینی با هم اختلاف نداشته و ندارند، مثلاً همه نماز، روزه، حج، خمس، زکات، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری را واجب و دزدی، خیانت، دروغ و... را حرام می دانند. تنها اختلاف، در بخشی از مسایل جزئی است؛ به گونه ای که در عمل مردم، اختلاف محسوسی ایجاد نمی کند، مثلاً می بینیم در نماز جمعه ای که با

حضور چندین هزار نفر (که مقلد چند مرجع تقلید هستند) برپا می شود، جماعت و وحدت به هم نمی خورد، هم چنین در سایر موارد، اختلاف فتوای مراجع، زحمتی پیش نمی آورد.

ثانیاً؛ در مسایل نظری هر رشته ای، اختلاف نظر، امری طبیعی است و استنباط مجتهدان از آیات و روایات نیز مشمول همین قانون می باشد، البته روشن است که احکام واقعی دین یگانه بوده و اختلاف، از استنباط افراد و برخی از عوامل دیگر است، نه اختلاف حکم خدا و توضیح بیشتر این که پس از غیبت امام زمان (علیه السلام)، چون دسترسی به امام زمان نبوده و تنها از مدارک و مآخذ اسلامی، یعنی قرآن و روایات، احکام الهی را استنباط

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۱۳

می نمایند و در اختیار مردم قرار می دهند، اختلاف نظر، امری کاملاً طبیعی است؛ زیرا مفردات یا ترکیب و جمله بندی پاره ای از آیات و روایات، به گونه ای است که احتمال های متعددی در مبنای آن داده می شود و علاوه بر این، در زمان حضور پیامبر (صلی الله علیه وآله) و امامان (علیهم السلام) یا از خود پیامبر و امام احکام را می شنیده اند و یا راوی حدیث را به علت قرب زمان، خوب می شناخته اند، در صورتی که در زمان های بعد از غیبت امام (علیه السلام)، یکی از علل اختلاف فتوای مجتهدان، اختلاف عقیده آنان درباره سند روایات است. در این جا نمونه ای از اختلاف فتوا و منشأ آن را نقل می کنیم:

در روایت آمده، اگر در حال نماز بر بدن یا لباس انسان خونی باشد که مقدار آن کمتر از درهم باشد، اشکالی ندارد، در زمان صدور حدیث (درهم) رایج بوده و با شنیدن این حدیث، همه اندازه آن را می فهمیده اند، ولی در زمان های بعد، اقوال مختلفی ذکر شده:

۱ - درهم، به اندازه گردی کف دست است.

۲ - درهم، مساوی است با بند سر انگشت

ابهام.

۳ - درهم، مساوی با بند سر انگشت وسطی

است.

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۱۵

منشأ این اختلاف، این است که اندازه درهم در زمان صدور حدیث، یا نقل نشده‌ویا مختلف بیان شده است.

پس بسیار واضح است که در اختلاف فتوای مجتهدان، هوا و هوس یا اغراض شخصی مطرح نیست، بلکه اختلاف بر اثر یک سلسله مطالب علمی و تحقیقی است.

در خاتمه، بعد از روشن شدن معنای واقعی تقلید و این که تقلید و رجوع غیر متخصص به متخصص، امری فطری و ضروری است، به چند فتوا در زمینه مسایل تقلید، از رساله حضرت امام خمینی (قدس سرهم) اشاره ای می نماییم.

۱ - مسلمان باید به اصول دین یقین داشته باشد و در احکام دین باید یا مجتهد باشد که بتواند احکام را از روی دلیل به دست آورد، یا از مجتهد تقلید کند؛ یعنی به دستور او رفتار نماید، یا از راه احتیاط طوری به وظیفه خود عمل نماید که یقین کند تکلیف خود را انجام داده است، مثلاً اگر عدّه ای از مجتهدین کاری را واجب، بعضی آن را مستحب می دانند آن را به جا آورد، پس کسانی که مجتهد نیستند و نمی توانند یا نمی خواهند به احتیاط عمل کنند، واجب است از مجتهد تقلید نمایند.



دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۱۷

۲ - آیا از کسی که از نظر علم کم تر از دیگران باشد، ولی از نظر تقوا از او برتری دارد می توان تقلید کرد؟

تقلید اعلم لازم است علی الاحوط.

۳ - مجتهد و اعلم را از سه راه می توان

شناخت:

اوّل: آن که خود انسان یقین کند، مثل آن که از

اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد.

دوّم: آن که دو نفر عالم عادل، که می توانند

مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، مجتهد بودن یا

اعلم بودن کسی را تصدیق کنند، به شرط آن که دو

نفر عالم عادل دیگر، با گفته آنان مخالفت ننمایند.

سوم: آن‌که عدّه‌ای از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفته آنان اطمینان پیدا می‌شود، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند<sup>۱</sup>.

۴ - به دست آوردن فتوا، یعنی دستور مجتهد،

چهارراه دارد:

اول: شنیدن از خود مجتهد.

دوم: شنیدن از دو نفر عادل که فتوای

مجتهد را نقل کنند.

سوم: شنیدن از کسی که مورد اطمینان و

راست‌گو است.

---

۱. در متن تحریر شیوع و شهرتی که علم آور باشد، نیز یکی از راه‌های شناخت اعلم ذکر شده است.

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۱۹

چهارم: دیدن در رساله مجتهد، در صورتی که انسان به درستی آن رساله اطمینان داشته باشد.

۵ - مسایلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد.

۶ - آیا درست است که تقلید افراد خانواده (همسر و فرزندان) تابع سرپرست خانواده باشد؟

ج - در تقلید تبعیت نیست.

۷ - بعضی از مردم نماز می‌خوانند و روزه هم می‌گیرند، ولی مرجع تقلید ندارند و از احتیاط هم استفاده نمی‌کنند و آنچه را که از پدرانشان و یا مردم شنیده‌اند عمل می‌کنند. این اشخاص آیا نماز و روزه‌شان صحیح است؟

ج - عمل آنان، اگر مطابق فتوای مجتهدی باشد که باید از او تقلید کنند صحیح است.

۸ - در چه شرایطی واجب است مقلد خود به مرجع تقلید دیگری رجوع کند؟

ج - در صورت احراز اعلمیت مجتهد دوّم.

۱ - در صورتی که احتمال بدهد مجتهد دوّم اعلم است و این احتمال را درباره مجتهد اوّل ندهد.

۲ - در صورت سلب بعضی از شرایط تقلید.

۹ - تقلید میّت ابتداءً جایز نیست، امّا بقاء

تقلید میّت (بعد از تحقّق آن به این که به بعضی مسایل عمل کرده باشد)، در تمام مسایل حتّی مسایلی را که عمل نکرده جایز است و احتیاط مستحب، رجوع به اعلم زنده است و احتیاط واجب

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۲۱

آن است که بعد از تقلید از مجتهد زنده، دوباره به میّت رجوع نکند و همین طور به مجتهد زنده دیگر، مگر آن که اعلم باشد، که بنابر احتیاط واجب باید به اعلم رجوع کند؛ و در مسأله بقا بر تقلید میّت، باید از مجتهد زنده تقلید کند بنابراین اگر بدون رجوع به مجتهد زنده ای که فتوا به جواز بقاء می دهد، بر تقلید میّت باقی بماند، همانند کسی است که بدون تقلید عمل کرده باشد.

**پایان**